

زنجیره روابط متقابل شخصیت‌های حکایت خیر و شر نظامی گنجوی بر اساس نظریه اریک برن

محمد کریمی ۱، رضا برزویی ۲*، عطا شاکریان ۳

۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.
* ۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)

۳ استادیار گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران

Email: : Reza.Borzoiy@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۰۵

چکیده

انسان‌ها در رابطه‌های متقابل و موقعیت‌های اجتماعی، مدام در حال دریافت پیام و ارسال پاسخ هستند. هر ارتباط حداقل دو طرف دارد. یک طرف با ارسال پیام (محرک) و طرف دیگر با واکنش از سوی خود، پاسخ می‌دهد. محرک‌ها و پاسخ‌ها برای ارتباط، بین افراد رد و بدل می‌شوند. نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن، بر پایه چهار مبحث کلی (تحلیل ساختار شخصیت، ارتباط متقابل، بازی‌های روانی و سناریو یا پیش نویس)، بنا شده است. بین ادبیات و روان‌شناسی، ارتباط محکم و عمیقی، وجود دارد، بررسی روابط و تعاملات میان شخصیت داستان‌ها و حکایات کهن ادب فارسی بر اساس نظریه اریک برن می‌تواند دست‌مایه بسیاری از پژوهش‌های میان رشته‌ای باشد. از این رو، نگارندگان، با رویکرد میان رشته‌ای و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، به شیوه توصیفی - تحلیلی، به بررسی و تحلیل زنجیره روابط متقابل ساده (مقاطع و مکمل) و نهفته (دو سطحی) همراه با زیر شاخه‌های آن‌ها، در شخصیت‌های حکایت خیر و شر از گنبد ششم هفت پیکر نظامی گنجوی پرداخته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشتر روابط در این حکایت از نوع ارتباط متقابل موازی یا مکمل «والد به کودک»، «کودک به والد» و «بالغ به والد» و «والد به بالغ» است. در این حکایت، ارتباط متقابل متقاطع یا شکسته و ارتباط متقابل زاویه‌دار دیده نشد اما ارتباط متقابل پنهان دو سطحی میان شخصیت‌ها به صورت پیام آشکار در حالات نفسانی «کودک به والد» و پاسخ آشکار «والد به کودک» و پیام و پاسخ پنهان «کودک به کودک» وجود دارد.

کلیدواژه: اریک برن، حکایت خیر و شر، زنجیره روابط متقابل، نظامی گنجوی

۱. مقدمه

زیگموند فروید و کارل گوستاو یونگ در زمینه ماهیت ساختاری شخصیت انسان و مراحل رشد آن نظریاتی را مطرح کردند. گوستاو لوین نقش والدین، دوستان و گروه‌ها را در تحلیل‌های خود، لحاظ کرد. اریک فروم، ویکتور فرانکل، سالیوان و اریک برن نیز از این روش استفاده کردند. اریک لنارد برن اشتاین (۱۹۷۰-۱۹۱۰)، در سال (۱۹۴۱) بعد از گذراندن دوره تخصص روان‌شناسی، به عنوان روان‌پزشک وارد ارتش آمریکا شد. او در سال (۱۹۵۶)، با انتشار دو مقاله، مدل تحلیل رفتار متقابل را مطرح کرد. اصول اساسی این نظریه حالات جداگانه من؛ (کودک، والد و بالغ) و مفاهیم کلیدی همچون نوازش‌ها، بازی‌های روانی و زنجیره روابط است. روابط متقابل، از اصول مدل تحلیل رفتار اریک برن است. هر ارتباط حداقل دو طرف دارد.



یک طرف با ارسال پیام (محرک) حضور خود را نشان می‌دهد و طرف مقابل با واکنش از سوی خود، پاسخ می‌دهد. «ارتباط متقابل یک واحد کنش اجتماعی بوده و تحلیل آن، به این معنی است که پیام و پاسخ، از کدام حالت شخصیتی بروز می‌کند و هر یک از دو فرد در چه وضعیتی نسبت به یکدیگر قرار دارند» (بهرامی، ۱۴۰۰: ۷۶). ارتباط و تعامل با دیگر هم‌نوعان، از مسائل مهم عصر حاضر است زیرا که انسان موجودی اجتماعی و نیازمند ارتباط است و ابعاد مختلف شخصیت وی، در ارتباط و تعامل با دیگران، بروز پیدا می‌کند و این ارتباطات موجب رشد و اعتلای شخصیت او می‌گردند. انسان‌ها در روابط یاد می‌گیرند؛ صداقت و مهربانی را جایگزین روابط تخریب‌کننده و منفی کنند تا فشار روانی خود و دیگران را کاهش دهند. پیام و پاسخ، از طریق نشان‌های احساسی رفتاری و کلامی صادر می‌شود که هر کدام از آن‌ها از والد، بالغ یا کودک بروز می‌کنند. با بررسی این نشانه‌ها می‌توانیم رفتار متقابل خود و دیگران را شناسایی کنیم. (رک. همان: ۷۶).

هفت‌پیکر یا بهرام‌نامه، چهارمین منظومه از خمسه نظامی گنجوی است که به علاءالدین کرب ارسلان پیشکش شده‌است. در این اثر، ژرف‌ترین اندیشه‌های نظامی از رهگذر ظرافت دقیق شکل، همچون گوهر می‌درخشند. (رک: بری، ۱۳۸۵: ۵۲) این منظومه، شرح داستان زندگی بهرام پنجم ساسانی (فرزند یزدگرد) است که نظامی گنجوی در آن، از بهرام گور، چهره یک انسان کامل را به نمایش می‌گذارد. «شاعر هر آنچه را که از مشاهدات عالم عرفان و مطالعات حکمت یونان با خود داشته در طبق هنر مرموز ریخته و افسانه‌هایی شگفت‌انگیز ساخته است که عقل در چگونگی آن‌ها حیران می‌ماند» (نظامی، ۱۳۷۲: ۳۶). بین ادبیات و روان‌شناسی رابطه نزدیک و دو سویه‌ای برقرار است. از طرفی نوشته‌های شاعر و نویسنده، معرف طرز تفکر اوست و از سوی دیگر اثر ادبی در خواننده خود تعادل روانی ایجاد می‌کند و موجب التذاذ از متن و سبب پیشرفت و تعالی فکر و همچنین موجب رشد جامعه می‌شود و نگاه روان‌شناختی ما را به درک بهتری از متون ادبی می‌رساند. بررسی روابط و تعاملات میان شخصیت داستان‌ها و حکایات کهن فارسی بر اساس نظریه‌های روان‌شناسی می‌تواند دست‌مایه بسیاری از پژوهش‌های میان رشته‌ای باشد. انجام این نوع پژوهش‌ها موجب کاربردی‌تر شدن این علوم خواهد شد.

۱.۱. طرح مسأله

نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن، در حوزه ارتباطات است. در این نظریه کیفیت و چگونگی تبادل محرک‌ها و پاسخ‌ها در ارتباط میان انسان‌ها بسیار مهم است. این نظریه در درجه اول به اصلاح تفکر و احساس شخص نسبت به خود و در درجه دوم، به اصلاح روابط شخص، با افراد پیرامون توجه دارد. «شخصیت هنگامی ظهور می‌کند که آدمی در ارتباط با دیگران، از خود رفتاری نشان دهد و لازم نیست که حضور داشته یا حتی زنده باشد بلکه ممکن است، قهرمانان داستان‌ها و افسانه‌ها باشند» (سیاسی، ۱۳۷۴: ۲۰۴). این نظریه نوعی روان‌شناسی شخصیت است که اریک برن در آن جنبه‌های مختلف یک شخصیت را بررسی می‌کند. برن روش سه دایره را برای نمایش حالات من معرفی کرد. به این ترتیب بود که «مفاهیمی همچون کودک درون، بالغ درون و والد درون برای اولین بار در روانشناسی مطرح شدند» (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۰: ۱۲۱). از آنجایی که شخصیت‌ها، در داستان‌ها مدام با خود و یکدیگر در ارتباط و تبادل اند. نویسندگان و شاعران، از این روابط برای گسترش و پیشبرد داستان‌ها و حکایات، استفاده فراوان کرده‌اند. شخصیت‌ها در رابطه‌های متقابل و موقعیت‌های اجتماعی، مدام در حال دریافت پیام و ارسال پاسخ هستند. نگارندگان در این جستار با استناد به نظریات روانشناسی اریک برن، به بررسی زنجیره روابط متقابل ساده (مقاطع و مکمل) و نهفته (زاویه‌دار) همراه با زیر شاخه‌های آن‌ها، در شخصیت‌های حکایت گنبد ششم از هفت پیکر نظامی گنجوی می‌پردازند و نمونه‌هایی از ابیات حکایت را بر اساس آن رابطه، تفسیر و تبیین خواهند کرد تا معلوم شود که شخصیت‌های حکایت در موقعیت‌های مختلف چگونه عمل می‌کنند و به چه روشی خود را در قالب رفتارهایشان آشکار می‌کنند و هر شخصیتی در کدام حالت نفسانی با شخصیت دیگر ارتباط برقرار دارد.

۱.۲. سوالات تحقیق

- مؤلفه‌های تحلیل رفتار متقابل در شخصیت‌های حکایت خیر و شر نظامی گنجوی کدامند؟
- رفتار شخصیت‌های حکایت خیر و شر، ریشه در کدام یک از خصوصیات روحی و روانی آن‌ها دارد؟

۱.۳. فرضیه‌های تحقیق

- فرض بر این است که بررسی زنجیره روابط متقابل، می‌تواند در شناسایی و شناخت تبادل‌های روانی و رفتاری شخصیت‌های حکایت خیر و شر نظامی گنجوی مؤثر باشد.
- تصور می‌شود که با بررسی رفتار شخصیت‌های حکایت خیر و شر در زنجیره روابط متقابل، بتوان فهمید که این رفتارها تحت تأثیر کدامیک از حالات

جداگانه من، صادر می‌شوند و در کدام یک از خصوصیات روحی و روانی آنها ریشه دارد.

۱.۴. پیشینه تحقیق

در رابطه با شخصیت، علی اکبر سیاسی (۱۳۷۴)، کتاب «نظریه‌های شخصیت» و بهجت‌السادات حجازی (۱۳۸۹)، کتاب «طبیبان جان» را نگاشته‌اند. در ارتباط با نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن، می‌توان به پایان‌نامه حسین حسینی پور (۱۳۹۸)، با عنوان «بررسی و تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در حکایات کلیده و دمنه و مرزبان‌نامه بر اساس نظریه روانشناسی شخصیت اریک برن» و پایان‌نامه رعنا ابراهیمی (۱۴۰۲)، با عنوان «تحلیل رفتار شخصیت‌های آثار شهریار مندنی پور و اثر در سفر مهشید امیر شاهی بر اساس نظریات اریک برن» اشاره کرد. احمد رضی و سمیه حاجتی (۱۳۹۱)، در مقاله «تحلیل رفتار متقابل شخصیت‌ها در داستان شیر و گاو از کلیده و دمنه» که با توجه به سه حالت (کودک، والد و بالغ) زنجیره روابط بین شخصیت‌ها را تحلیل کرده‌اند. احمد پارسا (۱۳۹۴)، در مقاله «بن مایه‌های اسطوره‌های حکایت خیر و شر در هفت پیکر نظامی گنج‌های» به بررسی بن مایه‌های اسطوره‌ای این حکایت و پیوند آن با شاهنامه فردوسی پرداخته‌است. مرتضی رشیدی و لیلا باقری (۱۳۹۵)، در مقاله «شیوه‌های شخصیت پردازی در منظومه‌های غنایی نظامی با تکیه بر داستان «خیر و شر» شیوه‌های شخصیت پردازی از منظر محققان ایرانی و غربی و کارکرد مثبت یا منفی شخصیت‌ها را ذکر کرده‌اند. محمد کریمی و همکاران (۱۴۰۲)، در مقاله «بازی‌ها و نوازش‌ها در داستان خیانت وزیر بهرام گور بر اساس نظریه اریک برن» بازی‌های روانی و نوازش‌های کلامی و غیر کلامی، سرد (منفی) و گرم (مثبت)، شرطی و غیر شرطی در روابط میان شخصیت‌های داستان خیانت وزیر (راست‌روشن) به بهرام گور، را بررسی و تحلیل نموده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تا کنون پژوهش مستقلی بر اساس زنجیره روابط متقابل نظریه اریک برن، در مورد داستان خیر و شر از گنبد ششم هفت پیکر نظامی گنجوی انجام نشده‌است.

۱.۵. روش تحقیق

هدف نگارندگان از این جستار، بررسی حکایت گنبد ششم از نظر روابط متقابل ساده (مقاطع و مکمل) و نهفته (دو سطحی) همراه با زیر شاخه‌های آن‌ها، است. ابیات متن از نسخه تصحیح برات زنجانی انتخاب شده‌است و این تحقیق از نوع اسنادی یا کتابخانه است که با رویکرد روان‌شناسی و به شیوه توصیفی و تحلیل محتوا، انجام می‌شود.

۱.۶. ضرورت و اهمیت تحقیق

نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن، به عنوان یک نظریه مهم و کاربردی مورد توجه همه روان‌شناسان جهان است که در شناخت شخصیت‌های داستان‌های متون کهن ادب فارسی نیز می‌تواند موثر و موضوعی تازه و بدیع باشد. با توجه به اهمیت مطالعات بین رشته‌ای و ارتباط عمیق ادبیات و روان‌شناسی، این پژوهش می‌تواند، رویکرد تازه‌ای به مباحث روان‌شناسی، برای شناخت بهتر و درک عمیق‌تر از آثار و متون کهن ادبی باشد. تحلیل داستان‌های هفت پیکر نظامی گنجوی از منظر نظریه‌های روان‌شناسی باعث ایجاد نوعی نگاه کاربردی می‌شود و پژوهش‌هایی از این دست ظرفیت و قابلیت این متون را نشان می‌دهند.

۲. مباحث نظری

نظریه اریک برن، بر اساس مشاهده و ارزیابی رفتار بیمار و تعامل او با دیگران بنا شده‌است. با تمرکز بر حالات من (والد، بالغ و کودک) و روابط متقابل متوجه می‌شویم که انسان‌ها با توجه به احوالات درونی خود در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلف، رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند.

۱.۲. والد

حالت نفسانی والد، بُعد اول شخصیت است که مجموعه‌ای از: «بایدها و نبایدها، سنت‌ها، ارزش‌ها، دستورات اخلاقی، قوانین اجتماعی، طریقه زندگی و نحوه برقراری ارتباط با اطرافیان است» (هریس، ۱۳۸۸: ۲۶). والد همان افکار، رفتارها و احساسات والدین است که در وجود هر شخص نهادینه شده‌است و انعکاس آن‌ها در رفتار و گفتار او بازتاب می‌یابد. والد را به حمایتگر، والد انتقادگر، والد فعال و والد تأثیرگذار تقسیم بندی کرده‌اند. (رک. استوارت و جونز، ۱۳۸۸: ۷۶-۷۷).

۲.۲. بالغ

بالغ همان نیروی نهفته (عقل، منطق، مصلحت) برای برخورد با واقعیت‌هاست. حالتی از خود است که بعد از سال‌ها کسب تجربه، در آدمی رشد می‌کند. (رک. بهرامی، ۱۴۰۰: ۳۷) بالغ تحت تأثیر احساسات و عواطف قرار نمی‌گیرد. بالغ، با دلیل و مدرک و استدلال تصمیم می‌گیرد.

۲.۳. کودک

مجموعه‌ای از غریزه‌ها، عواطف، احساسات و نگرش‌هایی است که از والدین خود می‌گیریم. وقتی در حالت کودک خود هستیم؛ مانند زمان کودکی رفتار کودکانه می‌کنیم نه عقلانی، کودکانه می‌اندیشیم، همچون کودکان حرف می‌زنیم و تصمیم می‌گیریم. روی کرد کنشی بر مبنای توصیف رفتاری، کودک از لحاظ رفتاری به کودک سازگار، کودک طغیان‌گر و کودک طبیعی تقسیم می‌شود. (رک. استوارت و جونز، ۱۳۸۸: ۵۶). اما بحث اصلی این جستار بررسی انواع روابط متقابل در حکایت خیر و شر در گنبد ششم از هفت پیکر نظامی گنجوی است.

۲.۴. روابط متقابل

دومین اصل از مباحث تحلیل رفتار، تحلیل ارتباط متقابل است. هر گاه دو یا چند نفر با یکدیگر در تعامل‌اند با ارسال و دریافت پیام و پاسخ با یکدیگر یک رابطه متقابل برقرار می‌کنند. هر پیام و پاسخ آن را یک واحد ارتباطی می‌نامند. اگر چهار بار پیام و پاسخ بین دو فرد رد و بدل شود، چهار واحد ارتباطی صورت گرفته‌است. در ادامه پس از شرح انواع ارتباط متقابل، نمونه‌هایی از ابیات حکایت خیر و شر را بر اساس آن رابطه تفسیر و تبیین خواهیم کرد.

۲.۴.۱. ارتباط متقابل موازی یا مکمل

در این نوع ارتباط (موازی یا مکمل) شخصیت در هر کدام از حالات نفسانی (کودک، والد، بالغ)، پیام بفرستد با همان حالت پاسخ دریافت می‌کند. «با وجود اینکه ارتباط موازی اغلب مفید و سازنده به نظر می‌رسد اما به علت قابل پیش‌بینی بودن و پیوستگی آن ممکن است سبب شود به قابلیت سایر روابط متقابل توجه نشود یا ارتباط موازی فقط در حالت ایستا باقی بماند که در این حالت رشد دهنده نبوده و به پویایی نخواهد رسید» (بهرامی، ۱۴۰۰: ۷۷). در تبادل متقابل موازی پیکان‌های محرک و پاسخ به موازات هم هستند. این نوع ارتباط زیر مجموعه‌هایی دارد که در تحلیل ابیات به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۲.۴.۲. ارتباط متقابل متقاطع یا شکسته

ارتباط متقاطع، زمانی به وجود می‌آید که پیام دهنده، پیامی را برای حالت نفسانی کودک طرف مقابل می‌فرستد و انتظار دارد با کودک پاسخ بگیرد اما طرف مقابل با حالت نفسانی والد یا بالغ پاسخ می‌دهد. که یک پاسخ غیر منتظره است. در اینجا می‌گوییم ارتباط متقاطع برقرار شده‌است. ارتباط شکسته است و قابلیت ادامه یافتن ندارد. این اختلال در ارتباط احساس بدی به وجود می‌آورد. در نوع دیگری از این ارتباط «در آن محرک خطاب به بالغ است ولی پاسخ از کودک نشأت می‌گیرد، احتمالاً شایع‌ترین علت بروز سوء تفاهم در زندگی اجتماعی روزمره می‌باشد» (برن، ۱۳۸۹: ۱۰۱). در تبادل موازی یا مکمل، پیکان‌های محرک و پاسخ در موازات یکدیگرند اما در تبادل متقاطع، یکدیگر را قطع می‌کنند. «در چنین موقعیتی ارتباط پاره می‌شود. مثلاً اگر شوهر برای گرفتن اطلاعات بپرسد تکمه سردست من کجا است و زن در جوابش بگوید: چرا همیشه تقصیرها را به گردن من می‌اندازی. تبادل متقاطع انجام شده و احتمالش هست که دیگر درباره تکمه سردست بحثی به میان نیاید. این تبادل اغلب بیشترین ناراحتی‌های دنیا را ایجاد می‌کند» (برن، ۱۳۹۳: ۲۳).

۲.۴.۳. ارتباط متقابل زاویه‌دار

ارتباط متقابل زاویه‌دار، از انواع ارتباط متقابل متقاطع است و اگر اتفاق بیفتد احتمال خروج از رابطه وجود دارد. اختلافی که میان این ارتباط با متقاطع شکسته وجود دارد در واکنش‌ها (پاسخ) است که می‌تواند به صورت کنایه آمیز (دو پهلو) و یا به صورت دوستانه باشد.

۲.۴.۴. ارتباط متقابل و غیرمستقیم

این ارتباط زمانی کاربرد دارد که هنگام ارسال پیام میان دو فرد هدف تحت تأثیر قرار دادن نفر سوم باشد. به این روش، ارتباط متقابل و غیرمستقیم می‌گویند.

۵. ۴. ۲. ارتباط متقابل پنهان دو سطحی

این ارتباط پیچیده‌ترین نوع ارتباط است و تفاوتی اساس با رابطه متقابل موازی و متقاطع دارد. در دیگر ارتباطات فقط یک حالت شخصیتی (والد، بالغ، کودک) در ارسال پیام دخالت دارد اما در ارتباط متقابل پنهان دو سطحی بیشتر از دو حالت شخصیتی در ارسال پیام دخالت دارند. منظور از دو سطحی بودن پیام، سطح اجتماعی و سطح روان شناختی است. «وقتی یک پیام و پاسخ به طور آشکار ارسال می‌شود ولی در زیر آن یک پیام و پاسخ پنهان هدفدار قرار دارد، ارتباط متقابل پنهان دو سطحی برقرار می‌شود. در ارتباط متقابل پنهان به پیام و پاسخی که بین دو حالت شخصیتی به صورت آشکار برقرار می‌شود پیام و پاسخ در سطح اجتماعی گفته می‌شود همچنین پیام و پاسخی که پنهانی تبادل شده، پیام و پاسخ در سطح روان شناختی است. در این نوع ارتباط متقابل آن چیزی که تعیین کننده ارتباط است، پیام و پاسخ در سطح روان شناختی خواهد بود که منظور اصلی ارتباط را تعیین می‌کند» (بهرامی، ۱۴۰۰: ۹۱). برای مثال در این نوع از ارتباط «یک محرک بالغ به بالغ، در واقع برای درگیر کردن یک حالت من دیگر والد یا کودک مورد استفاده قرار می‌گیرد. بالغ به بالغ نشان دهنده سطح اجتماعی آشکار تبادل است، در حالی که اصل رابطه سطح روانی یا ناآشکار می‌باشد» (برن، ۱۳۹۳: ۲۵).

۳. بحث اصلی

وقتی که در رابطه‌ای پیامی ارسال و پاسخی دریافت شود، تبادل و تقابل رفتار شکل گرفته است. به عبارت دیگر، حضور یکدیگر را درک کرده‌اند و رابطه پرسش و پاسخ بین آن‌ها (دو یا چند نفر) برقرار شده است. تبادل و متقابل بودن «واحد اساسی برخورد اجتماعی در نظر گرفته می‌شود و در تعریف آن گفته می‌شود که تبادل عبارت است از: ابراز نشان‌های انگیزشی از سوی یک فرد و ابراز نشان‌های انگیزشی به مثابه پاسخ، از سوی فردی دیگر» (هریس، ۱۳۸۹: ۸۵). پیامی که برای شروع یک رابطه فرستاده می‌شود محرک و واکنشی که به آن محرک داده می‌شود، پاسخ نامیده می‌شود. محرک‌ها و پاسخ‌ها برای ارتباط بین افراد رد و بدل می‌شود که گاهی سازنده و گاهی مخرب است. روان‌شناسان بر این باورند که شخصیت، در ارتباط با دیگران است که معنا پیدا می‌کند. این نظریه «تصویری از ساختار روانشناسی انسان به ما ارائه می‌دهد که می‌توان در زمان کوتاه به مقاصد درمانی رسید» (استوارت و جونز، ۱۳۹۵: ۲۱). تحلیل رفتار متقابل نشان می‌دهد که رفتار شخص از کدام جنبه از حالات من او صادر شده است. «این روش کمک می‌کند تا خود فرد نیز بداند چه زمانی می‌تواند علاوه بر داشتن روانی سالم، ارتباطی موثر و پویا با اطرافیان داشته باشد» (زری‌فام و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۵). در ابتدای داستان، بهرام گور با لباسی صندل فام، وارد گنبد ششم (خانه‌ای به رنگ چوب صندل)، می‌شود. بانوی این خانه، دختر پادشاه چین است. بهرام پس از شادی و بازی، از بانوی چینی می‌خواهد تا برایش حکایتی بگوید. بانوی چینی در وضعیت نفسانی والد ظاهر می‌شود و برای شاه حکایتی را باز می‌گوید:

بانوی چین ز چهره چین بگشاد وز رطب جوی انگین بگشاد
(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

بانوی چینی، چین از پیشانی برمی‌گشاید. والدانه و از سر مهربانی او را شاه شاهان، می‌خواند و سخن خود را با دعا، برای طول عمر شاه، آغاز می‌کند.

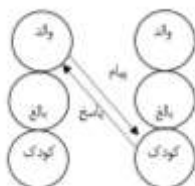
گفت ای از تو زنده جان جهان برترین پادشاه پادشهان
بیشتر زان که ریگ در صحراست سنگ در کوه و آب در دریاست
عمر بادت که هست بخت یار بادی از عمر و بخت برخوردار
(همان: ۱۴۵)

شاه، در حالت نفسانی کودک است و از بانوی گنبد ششم، قصه می‌خواهد. تا شاد و خندان شود. بانو، نقش والدانه خود را پذیرفته است و می‌خواهد حکایت خود را آغاز کند و بر لب شاه خنده‌ای بنشانند. او از زبان شاه می‌گوید:

لیک چون شه نشاط جان خواهد وز پی خنده زعفران خواهد
کژ مژی را خریطه بگشایم خنده‌ای در نشاطش افزایم

(همان: ۱۴۵)

شاعر در این ابیات، بهرام‌گور را در حالت کودک طبیعی نشان می‌دهد که خواهان نشاط و بازی و خنده است و این نشانه‌ها از سرنخ‌های کودک طبیعی و کودک انطباق یافته است. در این ابیات بانوی چینی با والد پیامی به کودک شاه می‌فرستد. این تبادل از جنس ارتباط متقابل موازی یا مکمل «والد به کودک» و «کودک به والد» است. «این ارتباط زمانی اتفاق می‌افتد که پیام حاوی با قطعیت قضاوت یا حمایت است و پاسخ نشان دهنده پذیرش آن باشد» (بهرامی، ۱۴۰۰: ۸۰).



از نظر اریک برن، یک رابطه متقابل تا زمانی که در حالت موازی یا مکمل قرار داشته باشد، پایدار خواهد ماند. ارتباط‌های متقابل موازی دیگری نیز وجود دارد که هرگاه پیام و پاسخ به صورت مکمل و موازی برقرار شود، آن رابطه در سطح متعادل ادامه پیدا می‌کند به این ترتیب ارتباط متقابل موازی به (۹) روش امکان‌پذیر است.

پاسخ	پیام
«والد» به «والد»	«والد» به «والد»
«بالغ» به «والد»	«والد» به «بالغ»
«کودک» به «والد»	«والد» به «کودک»
«والد» به «بالغ»	«بالغ» به «والد»
«بالغ» به «بالغ»	«بالغ» به «بالغ»
«کودک» به «بالغ»	«بالغ» به «کودک»
«والد» به «کودک»	«کودک» به «والد»
«بالغ» به «کودک»	«کودک» به «بالغ»
«کودک» به «کودک»	«کودک» به «کودک»

در حکایت، بانوی چینی، پس از دست بوسی شاه، حکایت سفر دو جوان به نام‌های خیر و شر را بازگو می‌کند. خیر با کودک درون خود از شر تقاضای جرعه‌ای آب می‌کند و شر با والدش پاسخ می‌دهد که خودش بیشتر به آن نیاز دارد.

آتشم را بکش به لختی آب	گفت مُردم ز تشنگی دریاب
یا به همت ببخش یا بفروش	شربت‌ی آب از آن زلال چو نوش
نام خود را ورق گشاد بر او	... شر که خشم خدای باد بر او
فارغم زین فریب فارغ باش	گفت کز سنگ چشمه بر متراش

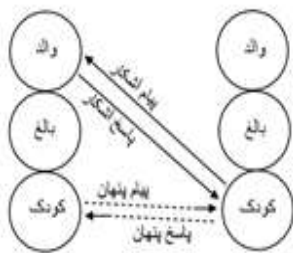
(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۴۵)

خیر حاضر است دو گوهر گران‌بها و ارزشمند، در مقابل جرعه‌ای آب، بدهد. ارتباط متقابل موازی برقرار است. پیام «کودک به والد» و پاسخ از «والد به کودک».

شر می‌ترسد که اگر به آب و آبادانی برسند، خیر، آبرویش را ببرد و گوهرهایش را پس بگیرد. پس چشم‌هایش را در ازای دادن آب، طلب می‌کند. ترس شر از خیر، باعث این اندیشه می‌شود.

ترس، از هیجان‌های اصلی آدمی است و هنگامی که فرد احساس خطر کند، بر آدم مستولی می‌شود. مغز به دستگاه عصبی دستور می‌فرستد و همه

اعضا بدن درگیر می‌شوند که موجب تغییر رفتار هم می‌شود. (رک. شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۱۶۶). از آنجایی که ترس بر زنجیره روابط شخصیت‌ها تأثیر گذار است و رفتارها را تحت تأثیر قرار می‌دهد می‌تواند در تغییر و تحول شخصیت‌ها نقش داشته‌باشد. (رک. راتوس، ۱۳۸۸: ۶۸۹ - ۶۹۰). اما ترک کردن کار درست، از روی ترس که از نشانه‌های کودک سرکوب شده‌است، به رشد بالغ، هیچ کمکی نمی‌کند. سالیان‌ها اعتقاد دارد که اگر کاری با نگرانی از نتایج انجام شود، سطح پایین‌تری از انجام کار بدون نگرانی دارد. او کسانی که خودخواهانه برای نتایج کار می‌کنند را سپه‌روز می‌خواند. (رک. سالیان‌ها، ۱۳۸۷: ۱۶۱). در این ارتباط پیام از «کودک به والد» فرستاده می‌شود و پاسخ از «کودک سرکوب شده» به «کودک طبیعی». در این بخش از حکایت رابطه همان پیام‌های نهانی و غیر کلامی است که حالات نفسانی مخاطب واقع شده در سطح روانشناختی متفاوت از حالات نفسانی مخاطب در سطح اجتماعی است.



این ارتباط کمی پیچیده‌تر از دیگر انواع ارتباط است. یک پیام و پاسخ به طور آشکار (سطح اجتماعی) ارسال شده‌است ولی در زیر آن یک پیام و پاسخ پنهان هدفدار (سطح روان‌شناختی) قرار دارد. پس ارتباط متقابل پنهان دو سطحی برقرار می‌شود. مسأله تعیین کننده در این نوع ارتباط، پیام و پاسخ در سطح روان‌شناختی است و پیام پنهان عدم اعتماد بین طرفین است. خیر، از تشنگی بی‌طاقت می‌شود و با بالغ تصمیم می‌گیرد که کور شدن بهتر از مردن است و پیشنهاد شر را مبنی بر درآوردن چشمانش در مقابل آب می‌پذیرد.

دید کز تشنگی بخواهد مُرد	جان شیرین به در نخواهد برد
گفت برخیز تیغ و دشنه بیار	شربت‌ی آب سوی تشنه بیار
دیده نازنین من برکش	آتشم را بکش به آبی خوش

(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

شر در حالت نفسانی کودک است که به دیگران آسیب می‌زند. دزدی می‌کند. ارتباط میان آن‌ها «بالغ به کودک» و «کودک به بالغ» که متقابل موازی است. دختر گُرد صحرانشین، ناله خیر را می‌شنود. کنجکاوانه دنبال صدای ناله می‌رود.

نالهای ناگه شنید از دور	کامد از زخم خورده‌ای رنجور
-------------------------	----------------------------

(همان: ۱۴۸)

خیر را زخمی می‌بیند. با مهربانی به او کمک می‌کند. کنجکاو و مهربانی از حالات نفسانی کودک و سرنخ‌ها و نشانه‌های کودک است. دختر با حالت نفسانی کودک پیام می‌فرستد. خیر، از روی عقل و منطق، با حالت نفسانی بالغ می‌گوید: اگر آب همراه خودت نداری مرا مرده ببندار. پس این ارتباط از جنس متقابل موازی است.

آب اگر نیست رو که من مُردم	ور یکی قطره هست جان بردم
----------------------------	--------------------------

(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۴۸)

در گفت و گوی پدر و دختر برای ساختن مرهم، پدر با حالت نفسانی بالغ سخن می‌گوید: اگر از برگ فلان درخت، مرهمی بسازم، چشم‌هایش، مثل روز اول بینا می‌شود. دختر با گریه و لابه که از نشانه‌ها و سرنخ‌های کودک است، پاسخ می‌دهد.

لابه‌ها کرد وز پدر درخواست تا کند برگ بینوایی راست

(همان: ۱۴۹)

پدر با بالغ خود پیام را برای کودک دخترش می‌فرستد و یک ارتباط متقابل مکمل شکل می‌گیرد. این نوع ارتباط «رابطه‌ای است که در آن حالت نفسانی که توسط شروع کننده رابطه، مورد خطاب قرار می‌گیرد، همان باشد که توسط طرف دیگر در رابطه پاسخ می‌گوید» (استوارت و جونز، ۱۳۸۸: ۱۳۱). در تبادل مکمل پیکان‌ها به موازات یکدیگر هستند و این ارتباط ممکن است تا بی‌نهایت ادامه یابد. خیر مدتی نزد مرد گُرد و خانواده‌اش چوپانی می‌کند. پس از مدتی دلبسته دختر مرد گُرد می‌شود اما می‌ترسد، مطرح کند. از فقر و بی‌چیزی خودش می‌ترسد، جواب نگیرد و دختر را به او ندهند. مقایسه کردن و سنجیدن از سرنخ‌های حالت نفسانی بالغ است.

دختری را بدین جمال و کمال نتوان خواست جز به ملک و به مال
(همان: ۱۵۱)

او با حالت نفسانی بالغ به این نتیجه رسیده‌است. والد خیر او را به خاطر بی‌چیزی و فقر از مطرح کردن درخواست ازدواج منع می‌کند.

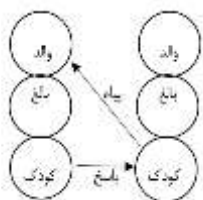
من که نشان خورم به درویشی چون نهم چشم خویش بر خویشی
(همان: ۱۵۱)

چند روزی با خودش سبک و سنگین می‌کند تا تصمیم به رفتن می‌گیرد. موضوع رفتنش را با مرد گُرد در میان می‌گذارد و از او اجازه می‌خواهد تا به وطن و دیار خویش بازگردد.

گفت با گُرد کای غریب نواز از غریبان بسی کشیده‌ای ناز
(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۵۱)

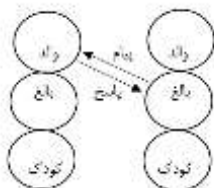
خیر، در حالت نفسانی بالغ، تصمیم به رفتن می‌گیرد. او با حالت نفسانی «کودک سازگار» با مرد گُرد حرف می‌زند. خیر، از محبت و مهربانی‌های مرد گُرد و خانواده‌اش می‌گوید.

عزم دارم که بامداد پگاه سوی خانه کنم عزیمت راه
(همان: ۱۵۱)



مرد گُرد و دخترش از تصمیم خیر برای رفتن ناراحت می‌شوند و هر دو گریه می‌کنند. گریه از حالات و نشانه‌های «کودک طبیعی» است. پیام از حالت نفسانی کودک به حالت نفسانی والد (مرد گُرد) فرستاده می‌شود اما مرد گُرد با حالت نفسانی کودک پاسخ می‌گوید. این ارتباط از جنس روابط متقابل متقاطع است. در ادامه مرد گُرد، در حالت نفسانی «والد نصیحتگر» وارد می‌شود و به گفت و گو با خیر ادامه می‌دهد و پیشنهاد ازدواج او با دخترش را مطرح می‌کند.

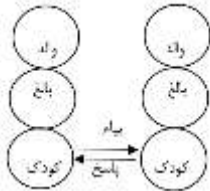
گفت با خیر کای جوان بهوش زیرک و خوب و مهربان و خموش
رفته گیرت به شهر خود باری خورده از هم‌رهی دگر خاری
... گرنهی دل به ما و دختر ما هستی از جان عزیزتر بر ما
بر چنین دختری به آزادی اختیارت کنم به دامادی
(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۵۲)



مرد گُرد، در حالت نفسانی «والد حمایتگر» اعلام می‌کند که همه ثروتش را در اختیار او می‌گذارد. خیر، با حالت نفسانی بالغ به این نتیجه رسیده‌است که حرف‌های مرد گُرد درست است و از طرفی او دلبسته

و عاشق دختر اوست. با شنیدن پیشنهاد ازدواج خوشحال می‌شود و با حالت نفسانی بالغ می‌پذیرد. پس تصمیم به ماندن می‌گیرد. ازدواج می‌کند و به خوشدلی روزگار می‌گذرانند. این ارتباط از نوع موازی یا مکمل است. «در ارتباط موازی واکنش‌ها قابل پیش‌بینی هستند؛ زیرا پاسخ در ارتباط مستقیم با پیام یا محرک قرار دارد و به علت برآورده ساختن واکنش‌های مورد نظر طرف مقابل، نیازها برطرف و توجه لازم تبادل شده‌است» (بهرامی، ۱۴۰۰: ۷۶).

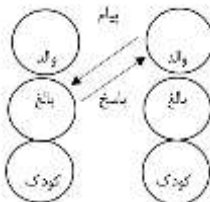
در پایان حکایت، خیر، شر را بیرون باغ می‌بیند. دستور می‌دهد او را بیاورند:



با جهودی معاملات می‌ساخت
گفت کین شخص را به وقت فراغ
او سوی باغ رفت و خوش بنشست
شر درآمد فراخ کرده جبین
خیر پرسید از او که نامت چیست؟

خیر چون دید روی او، بشناخت
از پس من بیاورید به باغ
گرد پیش ایستاده تیغ به دست
فراغ از خیر بوسه داد زمین
ای که خواهد سر تو بر تو گریست
(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

خیر در حالت نفسانی والد در مقابل شر قرار گرفته‌است. والد را می‌توان به دو دسته کلی (حمایتگر و انتقادگر) تقسیم‌بندی کرد. «والد حمایتگر؛ پند دهنده، مشوق و حمایت کننده است. والد انتقادگر؛ مچ‌گیر، ایرادگیر، سرزنش‌گر و تحقیرکننده. والد می‌تواند در رفتار و گفتار خود مثبت یا منفی باشد» (بهرامی، ۱۴۰۰: ۳۴).



خیر با «والد سرزنشگر» پیام می‌فرستد و نام و نشان شر را می‌پرسد اما شر در حالت نفسانی بالغ قصد فریب او را دارد. او از روی مصلحت و با عقل دور اندیش خود می‌خواهد خیر را فریب دهد.

خیر گفتا که نام خویش بگوی
گفت نامم مبشر سفری

روی خود را به خون خویش مشوی
در همه کارنامه‌ها هنری

(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

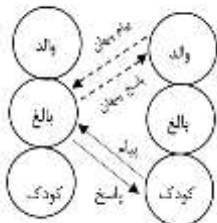
خیر با تحکم و تهدید با او سخن می‌گوید. شر قصد پنهان کردن نام و نشان خود را دارد و می‌خواهد کسی از گذشته او چیزی نداند. خیر، عصبانی می‌شود و او را دشنام می‌دهد. عصبانی شدن و دشنام دادن، از سرنخ‌های حالت نفسانی کودک است.

خیر گفت ای حرامزاده خس
شر خلقی که نام شر داری
تو نه آنی که با هزار عذاب
گوه‌ر چشم و گوه‌ر کمرش

هست خونت حلال بر همه کس
سیرت از نام خود بتر داری
چشم آن تشنه کندی از پی آب
هر دو بردی و سوختی جگرش

(همان: ۱۵۵)

در یک رابطه متقابل پنهان دو سطحی، در لحظه بین طرفین یک پیام آشکار و واضح (در سطح اجتماعی) و یک پیام پنهان و پوشیده (در سطح روان‌شناختی)، رد و بدل می‌شود. پیام‌هایی که در روابط متقابل پنهانی، رد و بدل می‌شود، علاوه بر معنای ظاهری خود، معنای دوم و ضمنی دیگری نیز دارند. شنونده با دقت در حالت‌های گوینده می‌تواند، آن را درک کند. در این ابیات، خیر در ظاهر و به صورت آشکار نام نشان شر را می‌پرسد اما در پشت لحن کلامش پیام (من تو را می‌شناسم) پنهان است و البته در ادامه گفت و گو نام نشان او را می‌گوید. خیر، در سطح اجتماعی (محرک اجتماعی) وارد می‌شود و شر در سطح روان‌شناختی همان کسی است که نیرنگ می‌کند، دروغ می‌گوید، فریبکار است و پنهان کاری می‌کند تا کسی او را نشناسد. پس



به خیر پاسخ می‌دهد و خودش را مبشر می‌نامد. (پیام آشکار). می‌خواهد با فریب دادن (پیام پنهان)، (پنهان کاری، نیرنگ و دروغ = محرک روان‌شناختی) به مقصود خودش برسد. او غافل از این است که آن‌ها، او را می‌شناسند. «دانستن فرق سطح اجتماعی و سطح روان‌شناختی به این

دلیل مهم است که به ما کمک می‌کند، اعمال آدم‌ها را بفهمیم و پیش‌بینی کنیم، ضمن اینکه مبادله نهن، بار اطلاعاتی بیشتری دارد» (فیروزبخت، ۱۳۸۴: ۴۶). مرد گرد که از ملازمان و نگهبانان شاه است. شر را می‌کشد و دو گوهری که دزدیده بود را، از بین لباس‌های شر می‌یابد و نزد خیر می‌آورد.

خیر بوسید و پیش او انداخت	گوهری را به گوهری بنواخت
دست بر چشم خود نهاد و بگفت	کز تو دارم من این دو گوهر جفت
این دو گوهر به دوست ارزانی	کین دو گوهر از اوست نورانی
	(نظامی، ۱۳۹۲: ۱۵۶)

ارتباط متقابل از نوع موازی «والد به بالغ» است. مرد گرد، در حالت نفسانی «والد حمایتگر» پیام می‌فرستد و خیر در حالت نفسانی بالغ پیام را دریافت می‌کند.

۴. نتیجه گیری

انسان‌ها در روابط اجتماعی خود با هم تبادل‌های رفتاری متفاوتی دارند. این روابط و تبادل‌های رفتاری موجب اعتلا و رشد شخصیت آن‌ها می‌شود. هر رابطه نیازمند دو طرف است که یکی از طرفین پیام (حرکی) می‌فرستد و طرف مقابل متناسب با آن، (ارتباط متقابل موازی یا مکمل یا با ارتباط متقابل متقاطع یا شکسته و ارتباط متقابل زاویه‌دار و یا با گوشه و کنایه ارتباط متقابل پنهان دو سطحی) پاسخی می‌فرستد. در این نظریه کیفیت و چگونگی تبادل محرک‌ها و پاسخ‌ها بسیار مهم است. تحلیل محرک‌ها و پاسخ‌ها با توجه به حالات من (کودک، والد و بالغ) یکی از اصول نظریه اریک برن است که با بررسی آن‌ها می‌توانیم، به طرز تفکر و احساسات خود و دیگران پی ببریم. حکایت گنبد ششم، از هفت پیکر نظامی گنجوی، در مورد دو جوان به نام خیر و شر است. بیشتر روابط در این حکایت از نوع ارتباط متقابل موازی یا مکمل «والد به کودک»، «والد به والد» و «بالغ به والد» و «والد به بالغ» است. در تحلیل رفتارهای شخصیت‌های حکایت گنبد ششم باید گفت که این شخصیت‌ها، هر کدام در شرایط و محیط متفاوتی رشد کرده‌اند و قطعاً روحیات متفاوتی از یکدیگر دارند. در نتیجه تفاوت‌های فاحشی در رفتارهای آن‌ها وجود دارد. مرد گرد در حالت بالغ با مصلحت اندیشی و اتخاذ تصمیمات درست، روابط موازی و مکمل سازنده‌ای با دیگر شخصیت‌های داستان دارد. دختر و همسر او نیز دارای رفتارهایی با تبادل‌های مکمل هستند. آن‌ها به راحتی می‌توانند با دیگران ارتباط درست و منطقی برقرار کنند. خیر ابتدا در حالت کودک از ناحیه شر دچار آسیب و صدمه می‌شود اما بعدها در روند داستان شخصیت او بالغ می‌شود. در این حکایت، ارتباط متقابل زاویه‌دار دیده نشد اما ارتباط متقابل پنهان دو سطحی میان شخصیت‌ها به صورت پیام آشکار در حالات نفسانی «کودک به والد» و پاسخ آشکار «والد به کودک» و پیام و پاسخ پنهان «کودک به کودک» وجود دارد. همچنین ارتباط متقابل متقاطع در پیام فرستاده شده از حالت نفسانی کودک، خیر به حالت نفسانی والد (مرد گرد) که با حالت نفسانی کودک پاسخ می‌گوید.

منابع

- ۱- استوارت، یان و ون جونز. (۱۳۸۸). تحلیل رفتار متقابل: روش‌های نوین در روان‌شناسی، ترجمه بهمن دادگستر، تهران: دایره.
- ۲- بری، مایکل. (۱۳۸۵). تفسیر مایکل بری بر هفت پیکر نظامی، ترجمه جلال علوی نیا، تهران: نی.
- ۳- برن، اریک. (۱۳۸۷). بازی‌ها، ترجمه اسماعیل فصیح. تهران: ذهن آویز.
- ۴- _____ (۱۳۸۹). تحلیل روابط متقابل، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نو.
- ۵- _____ (۱۳۹۳). بعد از سلام چه می‌گویید؟، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران: پیکان.
- ۶- بهرامی، منصور. (۱۴۰۰). مفاهیم تحلیل رفتار متقابل، تهران: نسل نو اندیش.
- ۷- راتوس، اسپنسر. (۱۳۸۸). روانشناسی عمومی، ترجمه حسین ابراهیمی مقدم و دیگران، تهران: ساوالان.
- ۸- زری‌فام، حسین؛ دهقان، علی؛ فرضی، حمیدرضا، (۱۳۹۴)، «تحلیل رفتار متقابل جنبه بالغ و والد در شخصیت‌های داستانی مثنوی براساس نظریات اریک برن»، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، ۱۳۹۴، سال ۴، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- ۹- سالینجر، جی.دی. (۱۳۸۷). فرانی و زویی، ترجمه میلاد زکریا، تهران: مرکز.
- ۱۰- سیاسی، علی اکبر، (۱۳۷۴). نظریه‌های شخصیت، تهران: دانژه.
- ۱۱- شفیق‌آبادی، عبدالله و غلامرضا ناصری. (۱۳۸۰). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲- شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم رفتاری، تهران: امیرکبیر.
- ۱۳- فیروزبخت، مهرداد. (۱۳۸۴). اریک برن بنیانگذار تحلیل رفتار متقابل. تهران: دانژه.
- ۱۴- نظامی گنجوی، (۱۳۹۲). هفت پیکر، به تصحیح برات زنجانی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۵- نظامی گنجوی، (۱۳۷۲). گزیده مخزن الاسرار، تصحیح بهروز ثروتیان، تهران: توس.
- ۱۶- هریس، امی.ب. و تامس آ. هریس (۱۳۸۸)، ماندن در وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نو.
- ۱۷- هریس، تامس، (۱۳۸۹). وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نو.

Mohammad Karimi

Ph.D. Student, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Dr. Reza Borzoiy

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad

Dr. Ata Shakerian

Assistant Professor, Counseling Department, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

Abstract:

communication. Eric Berne's theory of transactional analysis is based on four main topics (analysis of personality structure, interpersonal communication, psychological games scenarios). There is a strong and deep connection between literature and psychology, and the examination of relationships and interactions between characters in Persian literature and ancient tales based on Eric Berne's theory can be a valuable subject for interdisciplinary research. Therefore, the authors, with an interdisciplinary approach and relying on library resources, in a descriptive-analytical manner, examine and analyze the chain of simple (cross-sectional and complementary) and hidden (two-level) interrelationships, along with their sub-branches, in the characters of the tale "Khir" and "Shar" Gonbad-e-Sheshom is a poem from the Haft Peykar collection by Nezami - ye - Ganjavi. Findings indicate that most of the relationships in this tale are of the type of mutual parallel or complementary relationship from "parent" to "child", "child" to "parent", "adult" to "parent", and "parent" to "adult". In this tale, no intersecting or angular mutual relationship was observed, but there is a hidden two-level mutual relationship between the characters in the form of an explicit message in the psychological states of "child" to "parent" and the explicit response of "parent" to "child", and there is a hidden message and response between "child" and "child".

Keywords: Eric Bern, The story of Khir and Shar, mutual relationship chain, Gonbad-e Shishom, Nezami Ganjavi.